

## سبک زنانه در شعر نوجوان (أسلوب المرأة في شعر الفتوة)

م.د. محمد مصلح مهدي صالح

وزارة التعليم العالي والبحث العلمي - دائرة التعليم الجامعي الأهلي

[Miraqmd78@gmail.com](mailto:Miraqmd78@gmail.com)

### چکیده

ادبیات کودک و نوجوان حوزه‌ای نوظهور در زبان و ادبیات فارسی است. اگرچه در سالیان اخیر توجه‌ای شایان به آن شده و آثار متعددی به صورت خلق و نقد و تحلیل پدید آمده است. شعر نوجوان مقوله‌ای برآمده از ادبیات کودک و نوجوان است که در دههٔ اخیر تمرکز بیشتری بر آن صورت گرفته است. شعر نوجوان را با توجه به گرایش‌ها و اهداف گوناگون آن می‌توان از جهات گوناگون مورد بررسی و مذاقه قرار داد. توجه و تمرکز بر روی تفاوت‌های زبانی مردان و زنان از سال‌های پایانی دههٔ ۶۰ میلادی در غرب به سبب مطالعات اندیشمندان و زبان‌شناسان و نیز برنامه‌های گروهی از فن‌یست‌ها انجام شد. شماری از پژوهشگران و اندیشمندان معتقدند که زنان با توجه به خلیقات و روحیهٔ متفاوتشان نگرشی متفاوت به جهان و متعلقات آن دارند. بر همین اساس بر این باورند که شیوه‌های کاربردی زبان و نوشتار ایشان متفاوت است. در این پژوهش برآنیم تا به زن و مختصات زنانه در شعر نوجوان پردازیم. بدین منظور هجده مجموعه شعر از «مجموعه شعر نوجوان امروز» از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان را برگزیده و مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم. مجموعه‌های شعر نوجوان که انتخاب شدند اثر شاعران زن و مرد است. این رویکرد سبب شد تا ضمن بررسی و تحلیل سبک زنانه در شعر نوجوان، مقایسه این سبک در شعر زنان و مردان نیز صورت گیرد.

کلیدواژگان: شعر، شعر نوجوان، سبک زنانه، بررسی، مقایسه، تحلیل.

### الملخص

يعد أدب الأطفال والفتوة من المجالات جديدة النشأة في اللغة والأدب الفارسي. على الرغم من نيته في السنوات الأخيرة اهتماماً ملحوظاً وظهور نتاجات وأعمال تم نقدها وتحليلها. انبثق شعر الفتوة من شعر الأطفال والذي تم التركيز عليه بشكل أكبر في العقد الأخير. ويمكن دراسة شعر الفتوة بميوله وتوجهاته المختلفة بدقة من جوانب وطرق متعددة.

إن الاهتمام والتركيز على الفروقات اللغوية بين الرجال والنساء في اواخر الستينيات في الغرب هو نتيجة لدراسة المفكرين واللغويين وكذلك برامج مجموعة من النساء، ويعتقد عدد من الباحثين والمفكرين ان النساء ومع اختلاف الروح المعنوية والقومية بان لهن مواقف مختلفة اتجاه العالم ومتعلقاته، وبالتالي فهم يعتقدون ان اساليب تطبيق لغتهن وكتابتهم مختلفة.

سيتم تسليط الضوء في هذا البحث على المرأة والخصائص النسوية في شعر الفتوة. وتحقيقا لهذه الغاية، قمت باختيار ١٨ مجموعة شعرية من "مجموعة شعر الفتوة اليوم" وهي إصدارات مركز تنمية وتربية الاطفال والفتوة الفكرية لتكون موضوع الدراسة والتحليل. وكانت المجموعات الشعرية التي تم اختيارها هي من نتاجات الشعراء الرجال والنساء. وقد ادى هذا النهج الى دراسة اسلوب المرأة في شعر الفتوة، وكذلك مقارنة هذا الاسلوب مع أسلوب الشعراء الرجال.

الكلمات المفتاحية: شعر، شعر الفتوة، اسلوب المرأة، دراسة، مقارنة، تحليل.

### Abstract

The literature of children and young people is new filed of origin in Persian language and literature. Although in recent years it has received remarkable attention and the results and work have been criticized and analyzed . The attention and focus on the linguistic difference between men and woman in the late settees in the Arabs in the result of the studies of intellectuals and linguists as well as programs . A group of woman A number of researchers and thinkers believe that woman, with different morale and nationality , have different attitudes towards the world and its relativities and thus they believe that the methods of applying two languages and writing different in this research we will examine women's characteristics and feminism in the poetry of the bully and to achieve this goal you chose ١٨ poetry collection of the poetry of the fatigue day , which is the publication of the center for the development and education of children and intellectual bullying to be the subject of study and analysis and the collection of poetic chosen by the results of poets for men and of women's style of hair bully .

Work key -: Poetry , The hair of the bully , women's style , study , compare , analysis

### بیان مسئله

سبک زنانه مقوله‌ای است که براساس یافته‌ها و داده‌های پژوهشگران و اندیشمندان زبان‌شناس مبتنی بر تفاوت‌های زبانی زنان و مردان ایجاد شده است. پیروان جریان‌های دفاع از حقوق زنان و نوشتارهای زنانه

به تحقیقات پژوهشگرانی همچون ژاک دریدای و ژاک لاکان استناد می‌جستند. اینان معتقد بودند که زبان غالب در جامعه متأثر از زبان مردان است و زنان الگوهای زبانی مردسالارانه را مورد استفاده قرار می‌دهند. ما در این پژوهش برآنیم تا سبک زنانه و مختصات آن را در شعر نوجوان مورد بررسی قرار دهیم. اهمیت و ضرورت مسئله

اندیشمندان و پژوهشگران فنیست حوزه ادبیات با بررسی روایت‌های گوناگون به این نتیجه رسیدند که روایت‌شناسان ساخت‌گرا در غالب موارد اساس تقسیم‌بندی‌های خویش را بر مبنای متون مردان تنظیم کرده‌اند. این برخورد به متن سبب شد تا فنیست‌های پس‌ساخت‌گرا از نظم زبانی ساخت‌گرای مردانه انتقاد کنند. شعر به شکل عام و شعر نوجوان به صورت خاص متأثر از جنسیت و مختصات آن است. عوامل مذکور نگارنده را بر آن داشت تا شعر نوجوان را براساس مختصات سبک زنانه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

### نوع پژوهش

این پژوهش در حوزه‌ی پژوهش‌های توصیفی، تحلیلی می‌گنجد و نگارنده می‌کوشد پس از مطالعه و گردآوری مطالب از کتاب‌های شعر نوجوان (دهه نود) و نیز تحقیقات پژوهشگران و نویسندگان و جامعه‌شناسان آنها را طبقه‌بندی، تبیین و تحلیل نماید.

### پیشینه‌ی پژوهش

تا کنون مقالات و پژوهش‌های متعددی در رابطه با شعر نوجوان و سبک زنانه نگاشته شده است. اما تا کنون پژوهشی که به صورت متمرکز به سبک زنانه در شعر نوجوان پردازد انجام نشده است. نگارنده در این پژوهش در پی بررسی این موضوع خواهد بود.

### روش پژوهش

این پژوهش بر اساس روش کتابخانه‌ای فراهم شده است و در این میان کتاب‌های تاریخی، ادبی، جامعه‌شناسی و مقالات و پژوهش‌های متعددی مطالعه شد.

### شعر

شعر در بطن خود نیازمند تئوری‌های شعر نیست. بالندگی و رشد شعر نیز گاه بی‌هیچ نظریه‌ای میسر است. وجود شاعرانی که در بند تئوری‌ها و نظریات شعری نبوده‌اند می‌تواند این فرضیه را تا حدودی به اثبات رساند. این بحث در پی آن نیست که راه نقد و نظر در باب شعر نوجوان را ببندد. منتقد و نظریه‌پرداز به شرط نگرش و رویکرد درست و به دور از حب و بغض می‌تواند مسیر رشد و تکامل شاعر را هموار کند (ر.ک، رجب‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۷۰).

زبان شعر، زبان رمز است. در سطح حرکت نمی‌کند، جریانی است در اعماق. ابهام دارد و راز زنده بودن و حیات آن در مبهم بودن آن است. شاعر نام شیئی را در هیئت کلمه‌ای باز می‌گوید و اشیایی دیگر

را تعریف کرد، اراده می‌کند. خود را می‌گوید و خلق را نشان می‌دهد. من را می‌گوید و ما را پیش چشم می‌نهد. همین امر زبان شعر را زبانی مبهم، پیچیده و رازآمیز جلوه می‌دهد (علی پور، ۱۳۸۷: ۲۵).

محققان و منتقدان ادبی، خیال را یکی از محوری‌ترین عناصر هنر و شعر دانسته‌اند؛ چنانکه گفته‌اند: هیچ تجربه‌ای از تجربه‌های انسانی که می‌تواند موضوع شعر قرار بگیرد، بی‌تأثیر و تصرف نیروی خیال، ارزش هنری و شعری پیدا نخواهد کرد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۷).

این تخیل نیرویی است که به کمک آن شاعر بین مفاهیم و اشیاء ارتباط برقرار می‌کند و به این وسیله چیزی را بیان می‌کند که دیگران تاکنون دریافته‌اند و یا بیان نکرده‌اند. این کوشش ذهنی شاعر در حوزه خیال صورت می‌گیرد بگونه‌ای که می‌توان گفت: عنصر عاطفه و تفکر و احساس شاعر با تصرف و تخیل ارزش شعری پیدا می‌کند. تصرف ذهن شاعر در مفاهیم معمولی و ارتباط انسان با طبیعت که به وسیله شاعر بیان می‌شود و دامنه بسیار گسترده‌ای هم دارد، تخیل شاعرانه نام دارد (الهامی، ۱۳۷۳: ۳۳).

### شعر نوجوان

شعر نوجوان در ایران طفلی نوپاست و هنوز از از شعر کودک جدا نشده است. از همین رو تئوری‌ها و نظریات شعری نیز درباره شعر نوجوان اندک بوده است. با توجه به حساسیت گروه سنی مخاطب این شعر، توجه و تمرکز بر مضمون و محتوا و نیز فرم شعر نوجوان بیش از پیش احساس می‌شود. به نظر می‌رسد قبل از اینکه به شعر نوجوان پردازیم باید به تعریفی روشن از نوجوان دست یابیم. نوجوانی دوره‌ای سنی است که بین کودکی و جوانی قرار دارد. این تعریف و همراهی نوجوانی با کودکی و جوانی ما را از تعریف کودکی و جوانی ناگزیر می‌کند. کودکان را به مثابه فیلسوفانی می‌داند که در پی کشف روابط علی و معلولی جهانند. آنان با نگاهی شاعرانه از «نیست» و «نیستی» مفهومی خلق می‌کنند. این خلق مفهوم روابط مفهومی دیگری را پدید می‌آورد که فقط در جهان کودکانه معنا می‌یابد (رک، امینی، ۱۳۸۴: ۷۳).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کودکان عینی‌گرایی آنهاست. کودک تا پیش از رسیدن به جکم قطعی درباره محیط پیرامون خویش خیال‌بافی و رؤیایپردازی می‌کند. اما به محض آنکه آگاهی حاصل می‌شود، تخیل و خیال کودک ضعیف می‌شود. اگر تخیل و آگاهی به تعادل برسند، خلاقیت همراه با کودک به نوجوانی می‌رسد. «شعر» یکی از مهم‌ترین ابزارها جهت تقویت خیال کودک است. شعر می‌تواند درباره محیط پیرامون به کودک آگاهی بخشد.

شعر نوجوان می‌تواند اهداف و جهات گوناگونی را دنبال کند. اهدافی همچون اجتماعی، عاطفی، عرفانی، مذهبی، روانشناختی، اعتراضی، انتقادی و ...

گروهی از پژوهشگران حوزه شعر نوجوان بر این عقیده‌اند که باید جنسیت در شعر نوجوان در نظر گرفته شود. آنان دلیل تأکید خویش بر جنسیت را وجود عناصر متفاوت در زیست اجتماعی و عاطفی و ... دختران و پسران می‌دانند.

یکی از پرسش‌های اساسی در شعر نوجوان آن است که شعر نوجوان چه خصیصه‌هایی دارد که نام شعر «نوجوان» بر آن نهاده شده است؟ شاعر شعر نوجوان براساس اهداف معینی شعر خویش را می‌سراید. آنچه در آغاز راه اهمیت دارد این است که شاعر از تصنع پرهیزد. شاعر باید از اغراق در طرح مسائل و دغدغه‌های نوجوان پرهیزد.

در سالیان اخیر، کوشش‌هایی در جهت ارتقای سطح کئی و کیفی شعر نوجوان صورت گرفته است. سبک زنانه

سبک ادبی کاربرد خاص زبانی نویسنده است که به وسیله آن عواطف و معانی را به مخاطبان منتقل می‌کند. «سبک‌شناسی در گستره ادبیات کارآیی‌های ویژه‌تری نسبت به دیگر قلمروهای زبان دارد.» (فتوحی، ۱۳۸۸: ۲۵) سبک در نوشتار از اصلی‌ترین گزینش‌های خاص نویسندگی است تا آن‌جا که «هنگام رویارویی با یک متن، در نگاه اول پی می‌بریم که این متن به یک ژانر یا نوع خاص، تعلق دارد.» (ورنداک، ۱۳۸۹: ۲۵)

فرکلاف در «زبان و قدرت» در پی اثبات آن است که طبقه قدرتمند جامعه، زبان را به مثابه ابزاری برای تسلط و غلبه بر طبقه ضعیف برمی‌گزینند. او معتقد است که مردان با معنای کلی انسان شناخته می‌شوند که مفهومی ورای جنسیت است و از زنان با نام «زن» و محدود به جنسیت یاد می‌شود. لباو پژوهشگر زبان‌شناسی اجتماعی در مطالعات خود به این نتیجه رسید که زبان و سبک استفاده زنان از زبان متفاوت با مردان است. چکیده‌ای از تحقیقات وی به شرح زیر است:

زنان در مقایسه با مردان از گونه معیار زبان بیشتر استفاده می‌کنند.

طبقه متوسط رو به پایین تمایل بیشتری به اصلاح و تصحیح زبان خود و استفاده از گونه معیار دارند. میلز در «سبک‌شناسی فنیستی» به تحلیل آثار داستانی زنان پرداخته است. میلز این تحلیل را در سه لایه واژگانی، نحوی و گفتمانی انجام داده است.

لیکاف نیز مطالعاتی درباره جنسیت و زبان انجام داده است. وی در پژوهشی با عنوان «زبان و جایگاه زنان» دلیل اصلی تفاوت در گونه‌های زبانی را نابرابری در موقعیت و نقش‌های اجتماعی می‌داند. یکی از پژوهش‌های راهگشا درباره سبک زنانه در ایران توسط محمود فتوحی و در کتاب «سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها» انجام شده است. وی نوشتار زنانه را از نظر محتوا و فرم واکاوی کرده است. فتوحی معتقد است سبک زنانه و خصیصه‌های داستان‌پردازی زنانه را می‌بایست در محتوا جست‌نم در فرم (یونسی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۸).

سبک ادبی چیزی نیست جز بسامد مدلی خاص از رفتار زبانی نویسنده، که به وسیله آن مخاطب را در عواطف، تجربیات و معانی خاص، شریک می‌کند. سبک نوشتاری زنانه نیز چیزی نیست جز همین هویت شکل گرفته در جریان زندگی خصوصی و اجتماعی زنان. سبک نوشتاری زنان را نباید با زبان

گفتاری زنانه درآمیخت، زبان گفتاری حامل زبان بدن و حالات و حرکات خاص صورت در هنگام ادای سخن است اما «سبک عبارت است از نوع استفاده نویسنده از تصاویر ذهنی، ارجاعات آگاهانه و نا آگاهانه وی و نیز فرضیاتی که نویسنده از ادراک بلاواسطه خواننده در ذهن خویش می‌سازد. علاوه بر آن سبک نگرش نویسنده به باورها، به رسوم و به شخصیت‌های روایت را نیز در بر می‌گیرد و همه این‌ها به وسیله شیوه‌ای که نویسنده درباره‌شان می‌نویسد آشکار می‌شود» (چمبرز، ۱۳۸۲: ۵۶).

نگارنده در این پژوهش چند مؤلفه اصلی را مبنا قرار داده است و براساس آن سبک زنانه در اشعار نوجوان شاعران زن و مرد را مورد بررسی قرار می‌دهد. این مؤلفه‌ها عبارتند از: واژگان، عاطفه، اندیشه، شخصیت‌های زن، تک‌گویی‌های درونی.

### بررسی و تحلیل

در این بخش شعرهای منتخب را براساس مؤلفه‌هایی که پیش از این مطرح نمودیم، بررسی و تحلیل می‌کنیم. اشعار نوجوان در بخش‌های مذکور با هدف شناسایی و تحلیل سبک زنانه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

#### واژگان

از ابدیت آغاز می‌کنم

از فلک الافلاک؛

آن‌جا که آسمان

سرشار فرشتگان است

و پریان

با تاجی از شکوفه

به سوی نام پر طراوت تو می‌آیند.

(امینی، ۱۳۹۱: ۵)

واژگان کلیدی این شعر، «ابدیت»، «فلک الافلاک»، «آسمان»، «فرشتگان»، «تاج»، «شکوفه»، «نام»، «طراوت» و «تو» است. این واژگان آمیزه‌ای از اسامی ذات و معنایند. مفهوم جملات به روشنی منتقل شده است. اما در این جملات در کنار هم در یک بافت پیوسته در ارائه معنا گنگ و مبهم هستند. واژگان به لحاظ ویژگی‌های منحصر به سبک زنانه تشخیصی ندارند.

د ف؛

ساز دخترانه‌ای ست

که جهان من و تو را

روایت می‌کند

جهانی دایره‌وار،

بی هیچ تیزی و تلخی

(امینی، ۱۳۹۱: ۱۴)

یکی از محوری‌ترین واژگان این شعر، «دف» است. شاعر «دف» را سازی دخترانه می‌داند. در ادامه وجه شبه این تشبیه نیز بیان می‌شود. یکی از نشانه‌های سبک زنانه که در این شعر مشهود است گرایش شاعر به توضیح و تشریح مقصود خویش است. او برای بیان همانندی دف با جهان دخترانه از ویژگی‌های بیرونی و درونی دف مدد می‌جوید.

در کلاس

مشق الفبا می‌کنی

می‌دانی؛ اما مدرسه

برای تو

افسانه‌ای ندارد دخترم

من اما

عطر تمام قصه‌های جهان را

در عطردان روی رف

پنهان کرده‌ام

(امینی، ۱۳۹۱: ۲۱)

واژگان این شعر به ظاهر غیرمرتبط و در بافت شعر هم‌سو با یکدیگر هستند. شاعر با بهره‌گیری از واژگان «الفبا»، «مدرسه»، «افسانه»، «قصه»، «رف» و «عطر» یک مجموعه فکری را برای مخاطب ترسیم کرده است. این واژگان را اگرچه نمی‌توان محدود به جنسیت کرد اما در بافت جامعه‌شناختی ما در جهان فکری زنانه حضوری پررنگ دارند.

این دخترانه‌ها

تعبیر دیگری دارد؛

وقتی بهشت را

با حوا قسمت می‌کنی

(امینی، ۱۳۹۱: ۳۱)

بهره‌گیری از واژگان «دخترانه»، «تعبیر»، «بهشت» و «حوا» سمت و سوی زنانه دارند. انکار شاعر زنجیره‌ای از واژگانی که همسویی معنایی دارند را در کنار هم چیده است.

در ازل

بر گل آدمی

چهل روز/ باران اندوهان باریده‌اند  
و تنها یک روز  
باران شادی.

(امینی، ۱۳۹۱: ۷)

«اندوه» و «شادی» از مفاهیم عاطفی پررنگ در این هستند. شاعر با بهره‌گیری از مضامین ادبیات کلاسیک و متون عرفانی عاطفه شعر خویش را پر بارتر کرده است.  
ماه

مادرم

دست می‌کشد به روی شانه‌ام

(فتحی، ۱۳۹۵: ۲۲)

شاعر در شعر بالا «ماه» را مادر خود خوانده است. اگرچه او به سبب گستردگی معنایی «ماه» می‌توان برداشت‌ها و وجوه شبه‌های گوناگونی را برای این تشبیه برشمرد. به نظر می‌رسد که شاعر برای تصویر کردن مادر گاه به مشبه‌به‌های دم‌دستی بسنده کرده است.

پرنده خواهر من است!

و باد هم برادرم

درخت‌ها همه

عمو و عمه‌های من!

و دشت، مادر من است!

و آسمان: پدر

(ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۲۴)

شاعر واژگانی را ردیف کرده است و برای هریک مشبه‌به‌هایی آورده است. به نظر می‌رسد هر کدام را به جای دیگری نیز به کار برد.

قرص ماه آسمان

خاله‌اش زمین

مادرش زمان

خالقش خدای مهربان.

(حمزه‌ای، ۱۳۹۴: ۲۲)

در شعر فوق شاعر بی‌هیچ اندیشه‌ای واژگان را پشت سر هم ردیف کرده است. بی‌آنکه معنا و مفهومی برای آنها جسته باشد.

آن ستاره مادر است

آن دو تا:

خواهر و برادرم

این ستاره هم منم که برق می‌زند

روی دامن سیاه شب

پولک نگاه روشنم!

(موسویان، ۱۳۹۴: ۱۸)

در شعر بالا نیز واژگان بی‌هیچ تأمل و درنگی خوانده می‌شوند و تشبیهات رسانای معنی نیستند. شاعر در انتخاب تشبیهات و نحوه بیان آنها به سادگی عمل می‌کند.

عاطفه

برای تو

از میوه‌های بهشتی؛

گوشواره‌هایی از گیلان برمی‌گیریم

تیرگی جهان پیشین را گریسته‌ای دخترم

بر لبخند چشمانت بوسه می‌زنم.

(امینی، ۱۳۹۱: ۶)

عاطفه در این شعر در چند واژه خود را نشان داده است و این واژگان بار معنایی عاطفی شعر را به دوش کشیده‌اند.

بر شکوفه‌های نارنج

باران می‌بارد

و کالسکه رویا

در خیال من به حرکت درمی‌آید

پیراهنی از مهر بر تن پوشیده‌ای

و شاهزاده‌ای سپیدپوش

در کنار تو نشسته

- کالسکه را از کاغذ خیال پاک می‌کنم

شاهزاده را هم-

تو را در کجاوه می‌نشانم

تنها مجنون

برازنده عشق دوست دخترم

(امینی، ۱۳۹۱: ۱۱)

«عشق» عنصر پررنگ عاطفی در این شعر است. شاعر گویا از عواطف جهان معاصر دل زده است و در پی عشق افسانه‌ای و اسطوره‌ای برمی‌آید.  
 «زن» کبوترانه تنهایی ست  
 در وسعت ناباور عالم  
 باور نمی‌کنی؟  
 به سرمه‌ای چشمانم نگاه کن  
 که طعم سپید پروازی را  
 به حسرت/ درمانده است

(امینی، ۱۳۹۱: ۴۱)

«تنهایی» و «حسرت» از عواطف پررنگ این شعر به شمار می‌روند. اگرچه شاعر به این دو عاطفه اشاره کرده است اما در حد اشاره مانده و عبارات و جملات این احساسات را منتقل نمی‌کنند.  
 خوش به حال من  
 خوش به حال عطر و بوی مانده در حریم خانه‌ات  
 خوش به حال هرکسی چشید  
 مهر مادرانه‌ات...

(سالاروند، ۱۳۹۴: ۱۰)

شاعر به «مهر» و «مهربانی» می‌پردازد. عنصر عاطفی این شعر تکراری و برآمده از اشارات و پرداخت‌های غالب برای این مضمون در شعر است.

اندیشه

بر شکوفه‌های نارنج

باران می‌بارد

و کالسکه رویا

در خیال من به حرکت درمی‌آید

پیراهنی از مهر بر تن پوشیده‌ای

و شاهزاده‌ای سپیدپوش

در کنار تو نشسته

- کالسکه را از کاغذ خیالم پاک می‌کنم

شاهزاده را هم-  
 تو را در کجاوه می‌نشام  
 تنها مجنون  
 برازنده عشق توست دخترم

(امینی، ۱۳۹۱: ۱۱)

یکی از نمودهای اندیشه شاعر در شعر بالا، نگاه جنسیت‌زده و کلیشه‌ای به زن و مفهوم زن است. کلسکه و شاهزاده در ذهن او وجود دارد حتی اگر بخواهد آن را پس بزند. چون به آنها اشاره می‌کند. او از حضور مجنون و شایستگی عشق او برای دختر سخن می‌گوید و خوشبختی و عشق را در وجود و حضور یک مرد معنا می‌کند.

صدا نمی‌زنم او را  
 نکند نفس کولی  
 سرنوشتت را تلخ کند

(امینی، ۱۳۹۱: ۱۶ و ۱۷)

در این شعر بار اندیشه شاعر به سمت خرافات و باورهای عامیانه میل کرده است. انگار در ناخودگاه این زن سرنوشت آن قدر آسان رقم می‌خورد که دم یک زن کولی می‌تواند آن را تلخ یا شیرین کند.

بزرگ می‌شوم  
 - درست مثل مادرم -  
 و کوله‌بار سال‌های رفته را  
 به دوش می‌برم.

(سالاروند، ۱۳۹۴: ۳۸)

اندیشه نهان در این شعر مفهوم رنج و درد و کشیدن این رنج در تمام سال‌های عمر یک زن و در نقش مادری است.

از قل قل افتاد،  
 قلب سماور  
 مادر بزرگم نیست دیگر!

(نظری، ۱۳۹۴: ۳۰)

نظم جهان درون و برون توسط یک زن و برهم خوردن نظم جهان پس از رفتن آن زن مهم‌ترین اندیشه مندرج در این شعر است.

عروس دریایی

تور سفیدی را که سر راهش بود،  
روی سرش کشید و با غرور  
به سفره ماهی گفت:  
هرگز عروس به این قشنگی!...  
حرفش را تمام نکرده  
لای تور ماهی گیر  
بالا کشیده شد

(اکرمی، ۱۳۹۴: ۴۴)

«اسارت» از مهم‌ترین اندیشه‌های نهفته در شعر است که به شکلی غیرمستقیم و نمادین در این شعر به تصویر کشیده شده است.  
و با درازی موهایش  
می‌شد شادترین بندبازی‌ها را اجرا کرد  
سه مرد خسته در پیاده‌رو  
و دوزن فضول از پشت پنجره  
برایش گردن می‌کشیدند

(ملکی، ۱۳۹۴: ۱۰)

اشاره به صفت «فضول» برای زنان و رک کشیدن آنان در امور دیگران از اندیشه‌های کلیشه‌شده در ذهن است که در شعر و اندیشه این شاعر نیز به چشم می‌خورد.  
ای مادر مهربان ما، مبین ما!  
هرجا هستیم باز فرزند توایم

(نیک طلب، ۱۳۹۴: ۲۶)

تعبیر «مادر» برای مبین از قدیمی‌ترین استعارات است. شاعر در جهان فکری خویش از این مطلب سود جسته است.

شخصیت‌های زن  
در جشن نام‌گذاری‌ات؛  
به سپهر می‌رسم  
و خورشید چشم‌های تو  
بر جهان تیره من / نورافشانی می‌کند دخترم

(امینی، ۱۳۹۱: ۵)

شخصیت زن حاضر در شعر بالا «دختر» شاعر است. شاعر به روز نام گذاری او اشاره می کند و شغف خویش را از حضور او در این جهان نشان می دهد.  
این جا/ آغاز آفرینش است

و تو

نیمه دخترانه جهانی

(امینی، ۱۳۹۱: ۸)

در شعر بالا نیز شخصیت زن «دختر شاعر» است. شاعر مقام او را آنچنان بالا می برد که نیمی از جهان را به سبب حضور و وجود او دخترانه می بیند و می خواند.  
در کوچه می گردد کولی،  
حوای سرگردانی ست  
که فال زنان را می گیرد

(امینی، ۱۳۹۱: ۱۶ و ۱۷)

«کولی»، «حوا» و «زنان» سه شخصیت زن حاضر در این شعر هستند. حوا خاص است و کولی و زنان عام هستند و ناشناس.  
میان رگ های بریده خاک  
قلبی پیدا کرده ام  
قلبی که هنوز نبض دارد  
این قلب، دخترم  
مرا تا اعماق اندوه زلیخا می برد

(امینی، ۱۳۹۱: ۲۳ و ۲۴)

«دختر شاعر» و «زلیخا» دو زن حاضر در این شعر هستند. شاعر هر دو با عشق می نمایاند. هرچند عشق و نگرش به عشق در هر دوی این ها متفاوت است و شاید شاعر در پی آن بود که از این رهگذر تکثرات عشق را بهتر و بیشتر نشان دهد.  
این دخترانه ها  
تعبیر دیگری دارد؛  
وقتی بهشت را  
با حوا قسمت می کنی

(امینی، ۱۳۹۱: ۳۱)

«حوا» زن حاضر در شعر بالاست. همراه با حوا مفاهیم کلیشه‌ای و تکراری «قسمت کردن» و «بهشت» آمده است.

«زن» کبوترانه تنهایی ست

در وسعت ناباور عالم

باور نمی‌کنی؟

به سرمه‌ای چشمانم نگاه کن

که طعم سپید پروازی را

به حسرت/ درمانده است

(امینی، ۱۳۹۱: ۴۱)

شاعر در شعر بالا به صورت عام به «زن» می‌پردازد. او زن را موجودی تنها می‌پندارد که جهان از درک او عاجز است و این زن همواره حسرتی در دل دارد و یارای فریاد زدنش نیست. آسمان

باران نمی‌بارد؛ اما

در چشم‌های زلیخا

یوسف به چاه می‌افتد

(امینی، ۱۳۹۱: ۴۴)

زن حاضر در شعر بالا «زلیخا» است. شاعر تصویر دیگری از زلیخا نمایان می‌کند. تضاد و تناقض بالا و پایین و اوج و حسیض به خوبی در این نشان داده شده است.

زن تمام خرده نخ‌ها را کتاری جمع کرد

چرخ خیاطی او، یک جای دنج

خواب بود

روی گاز

ظرفی و یک دم کنی بر روی آن

آشپزخانه پر از بوی برنج

کودکش

روی بالش شیشه‌اش را می‌مکید

(لطف الله، ۱۳۹۴: ۱۸-۲۰)

داوود لطف‌الله در شعر بالا «زن» را به مفهوم عام برای مخاطب به تصویر می‌کشد. او با بهره‌گیری از نشانه‌های تکراری همچون چرخ خیاطی، برنج، کودک و شیشه شیر و... اگرچه شعر را به تجربه زیسته زنان نزدیک می‌کند اما در پی القای یک اندیشه غالب است.

یک نگاه، کودکانه غرق خواب

یک نگاه، مادرانه منتظر برای یک جواب:

مرد، بی‌صدا

زل زده

به چراغ‌های روشن مغازه‌ها

زن، به شیشه تکیه داده است

(لطف‌الله، ۱۳۹۴: ۲۶)

در شعر بالا «زن» در مقابل «مرد» آمده است. شاعر با اشاره به زل زدن مرد به چراغ‌های روشن مغازه یک کورسوی امید را برای مرد متصور شده است. تکیه دادن زن به شیشه نشان از استیصال و تسلیم زن دارد.

مادر بزرگ

گوشه‌ای کنار ده

خانه داشت

توی طرف کوچکی

سبزه کاشت

خانه را تمیز کرد

رفت و روب کرد

(شفیعی، ۱۳۹۴: ۱۴)

زن در شعر بالا در شمایل یک «مادر بزرگ» خود را نشان داده است. در این شعر صرفاً به نقش مادر بزرگ و کارهایی که او می‌کرده اشاره شده است.

پری

انگشتانش بلند و

گیسوانش کند پریان...

کوچک بود، اما

هر شب

امواج دریا

می بردند او را با خود

و صبح

برمی گردانند.

کوچک بود، اما

آنقدر پری‌های دریا

در گوشش خوانده بودند

که در بیداری

رویای سفر داشت

خواب دریا می‌دید

(مهرپرور، ۱۳۹۴: ۱۰)

زن در شعر بالا در قامت یک «پری» وصف شده است. اگرچه تعاریف را پیش از این نیز شنیده‌ایم و تازگی ندارد اما شاعر حرکت، امید و بلندپروازی پری به خوبی در شعر نشان داده است و در پی برهم زدن جهان کلیشه‌ها بوده است.

کار نقاش نیست مادرم!

دل تو

نقش عشق است و نقشه گنج است.

(سالاروند، ۱۳۹۴: ۱۲)

در شعر بالا شاعر به «مادر» و عشق جاری در وجود او سخن می‌گوید. تصاویر فاقد تازگی هستند و شاعر در این شعر در جهت ساختن جهانی منحصر به خود قدمی برنداشته است.

در نگاه مردمان،

صلح،

پرچم سفید

صلح،

آسمان آبی و کبوتر است.

در نگاه من، ولی

صلح، مادر است.

(سالاروند، ۱۳۹۴: ۳۰)

شعر در شعر بالا از صلح می‌گوید و از باور عمومی و تعریف واحد صلح نزد دیگران. در ادامه وی به «مادر» خویش می‌پردازد که تجسم صلح است.

خاموشی

از قل قل افتاد،

قلب سماور

مادر بزرگم نیست دیگر!

(نظری، ۱۳۹۴: ۳۰)

زن در این شعر با «مادر بزرگ» وصف شده است. پرداختن به ویژگی‌های بیرونی و درونی وی و کردار و رفتار او و همچنین نمود کنش‌هایش نزد دیگران سبب پرباری و قوت شعر شده است.

شکستن شیشه‌ها

دیگر به این راحتی‌ها نیست...

کو مادر بزرگ

تا پشت چادرش پنهان شوم؟

(شکارسری، ۱۳۹۴: ۱۲)

شاعر در شعر بالا امنیت را در وجود «مادر بزرگ» به خوبی نشان داده است. زن در این شعر با امنیت مترادف و همراه شده است.

آن دو تا فرشته سفید

دست‌های مهربان مادر من است.

دست‌های مادرم

باز هم پر از دعای تازه است.

(هاشمی، ۱۳۹۴: ۳۰)

هاشمی در شعر بالا به «مادر» پرداخته است. وصفی که او از مادر ارائه می‌دهد همان وصف تکراری مهربانی و دعای خیر اوست.

مادر

نه!

کوچک است دنیا

برای نشان دادن

اندازه دوست داشتن تو

(کریم زاده، ۱۳۹۴: ۱۲)

شاعر در شعر بالا به «مادر» می‌پردازد. او دنیا را برای نشان دادن دوست داشتن مادر کوچک می‌بیند و در پی آن است تا عشق بی‌حد خویش را به او وصف کند. زن در این شعر حضوری منفعل دارد.

قهوه‌های داغ صبح زود  
دقتی برای خاطرات کهنه‌ای که بود  
چشم‌های مهربان مادرم  
شعرهای تازه‌ای که از برم

(ترکمن، ۱۳۹۴: ۲۶)

شاعر جهان کوچک این روزهایش را وصف می‌کند و در کنار تمام چیزهایی که این روزها در کنار اوست از چشم‌های مهربان «مادر» نیز می‌گوید. در این شعر فقط نام مادر آمده و کنشی از او سر نزده است. البته می‌توان به قرینۀ ذهنی این کنش را مراقبت و همراهی دانست.

تک گویی‌های درونی  
از جهان باستان می‌آیم  
و تکه‌هایی از اساطیر را  
با خود به خانه می‌آورم  
: - «جای بال‌هایم درد می‌کند»-

(امینی، ۱۳۹۱: ۳۹)

شاعر در شعر بالا با خود سخن می‌گوید. او خود را متعلق با دورها و دیرها می‌داند و این جهان معاصر را برای قدمت خود کوچک و ابر می‌بیند.  
تنگ شد دلم برای: «دخترم  
روزنامه بیار  
ظرف‌های شامم را ببر.»

(سالاروند، ۱۳۹۴: ۱۶)

شاعر در این تک‌گویی از یک دلتنگی سخن می‌گوید. دلتنگی برای کمک کردن و همراهی. دلتنگی برای فاصله گرفتن و دوری و گذر زمان.

## نتیجه گیری

نگارنده در این پژوهش هجده مجموعه از مجموعه «شعر نوجوان امروز» از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را مورد بررسی و تحلیل قرار دارد. در این پژوهش چند مؤلفه اصلی را مبنا قرار گرفت و براساس آن سبک زنانه در اشعار نوجوان شاعران زن و مرد را مورد بررسی شد. این مؤلفه‌ها عبارتند از: واژگان، عاطفه، اندیشه، شخصیت‌های زن، تک‌گویی‌های درونی.

آنچه در بسیاری از اشعار نوجوان به چشم می‌خورد، تهی بودن این اشعار از مضمون است. در این اشعار غالباً موضوع به مضمون ختم نمی‌شود و در حد همان موضوع باقی می‌ماند. نگارنده با مطالعه و بررسی اشعار نوجوان به این نتیجه رسید که بسیاری از شاعران این مجموعه‌ها در چارچوب موضوع مانده و پا را از آن فراتر نگذاشته‌اند. و غالب این موضوعات تکراری‌اند. همین موضوع سبب شده تا اشعار فاقد تشخیص زبانی و سبکی باشند. در این میان سودابه امینی در برخی از اشعار به سبک زنانه نزدیک شده است.

غال شاعران در مجموعه‌های «شعر نوجوان امروز» در محدوده من شخصی خویش می‌مانند و این من شخصی به من انسانی و جمعی بدل نمی‌شود. احساسات ایشان نسبت به اشخاص نیز رنگ و بوی شخصی گرفته و آمچنان پرداخته شده که می‌توان آن را به اشخاص دیگر نیز تعمیم داد. این عامل سبب می‌شود تا مخاطب توصیف و بیانی متفاوت از اشخاص نخواند با بخش ناتمام را تمام کند و یا به دنبال تکمیل قطعات گمشده وجودی خویش باشد. مخاطب در بسیاری از این اشعار تصاویری غمگین و زیبا از پدیده‌ها، انسان‌ها و رخدادها می‌بیند. مخاطب و تصویر به سادگی از کنار یکدیگر عبور می‌کنند بی‌آنکه اتفاقی در این برخورد رخ دهد و یا درنگی اتفاق افتد. بسیاری از اندیشمندان اعتقاد دارند که واژه و اندیشه ارتباطی مستقیم با یکدیگر دارند. انسان با واژگانش می‌اندیشد. واژگان بسیاری از اشعار این مجموعه‌ها فضایی غم‌بار را ترسیم می‌کنند. بار غمگانه شعر زنان شاعر از مردان شاعر در این مجموعه‌ها بیشتر است. شعر مردان کنشی‌تر عمل کرده است. همچنین زنان به عمق و عاطفه زنانه بیشتر نفوذ کرده‌اند و مردان در تصویر جهان زنانه در سطح مانده‌اند.

## منابع و مأخذ

- ابراهیمی، جعفر (۱۳۹۴). پرده خواهر من است، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- اکرمی، جمال‌الدین (۱۳۹۴). شاعری در باغ وحش، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- الهامی، محسن (۱۳۷۳). شعر چیست؟ تهران: انتشارات ورای دانش.
- امینی، سودابه (۱۳۹۱). فصل آهو و کبوتر، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- امینی، سودابه (۱۳۸۴). نوجوان و شعر. نشریه شعر. شماره ۴۲.
- ترکمن، فاضل (۱۳۹۴). هیچ عشق تازه‌ای جدید نیست، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- چهارپرز، ایدان (۱۳۸۲). خواننده درون متن. مترجم طاهره آدینه پور. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره ۳۳ و ۳۴.
- حمزه‌ای، رودابه (۱۳۹۴). هم‌نوازی نسیم و برگ، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

- رجب‌زاده، شهرام (١٣٨١). شهامت و شتاب (مروری بر کارنامه ناصر کشاورز در عرصه شعر نوجوان). پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره ٣١.
- سالاروند، فاطمه (١٣٩٤). خوش به حال من، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (١٣٨٣). صور خیال در شعر فارسی. چاپ نهم. تهران: انتشارات آگاه.
- شفیعی، کمال (١٣٩٤). چتری از پرده، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شکارسری، حمیدرضا (١٣٩٤). تلنگر باران، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- علی پور، مصطفی (١٣٨٧). ساختار زبان شعر امروز. چاپ سوم. تهران: انتشارات فردوسی.
- فتحی، فرزانه (١٣٩٥). خنده برگ، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- فتوحی، محمود (١٣٨٨). سبک شناسی ادبی سرشت سخن ادبی، برجستگی و شخصی سازی زبان. فصلنامه زبان و ادب پارسی. ش ٤١.
- کریم زاده، مینو (١٣٩٤). تولد سفید، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- لطف الله، داود (١٣٩٤). نگار ایستگاه دل، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ملکی، زیبا (١٣٩٤). زندگی با دور تند، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- موسویان، انسیه (١٣٩٤). چهارشنبه‌های بستنی، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- مهر پرور، ملیحه (١٣٩٤). ستاره‌ها که بیفتند، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- نظری، مهدیه (١٣٩٤). پرده باران، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- نظری، مهدیه (١٣٩٤). درخت‌ها برای تو پرده‌ها برای من، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- نیک طلب، بابک (١٣٩٤). با فرفره‌ها به شادی باد بگرد، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- وردانک، پیترا (١٣٨٩). مبانی سبک‌شناسی. ترجمه‌ی محمد غفاری تهران: نشرنی
- هاشمی، منیره (١٣٩٤). قطار چهارشنبه، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- یونسی، خوشقدم و دیگران (١٣٩٦). نشانه‌های سبک زنانه در ادبیات داستانی معاصر. نشریه ادبیات پارسی معاصر. سال هفتم. شماره سوم.